

--- کارل اشمیت ---

رومانتیسیم سیاسی

--- ترجمه نیره توکلی ---



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست

- پیشگفتار مترجم فارسی ..... ۱۱
- پیشگفتار مترجم انگلیسی ..... ۲۱
- پیشگفتار نویسنده ..... ۵۱
- دیباچه ..... ۷۷
- برداشت آلمانی: رومانتیسیسم سیاسی، ایدئولوژی واپسگرایی و بازگشت ..... ۷۷
- برداشت فرانسوی: رومانتیسیسم اصلی است انقلابی و روسویی ..... ۸۱
- تیین انقلاب بر حسب روح رومانتیک و روح کلاسیک ..... ۸۴
- کلاف سردرگم مفهوم رومانتیسیسم سیاسی و راه‌حلی برای تعریف آن ..... ۸۶
۱. اوضاع بیرونی ..... ۹۱
- اهمیت سیاسی شخصی نویسندگان رومانتیک در آلمان ..... ۹۱
- بی‌اهمیت بودن اشگل از لحاظ سیاسی ..... ۹۴
- پیشرفت سیاسی مولر: طرفدار انگلیس در دربار گوتینگن ..... ۹۶
۲. ساختار روح رومانتیک ..... ۱۱۱
- مسئله اساسی دوران: تقابل تفکر و وجود و غیرعقلایی بودن واقعیت ..... ۱۱۱
- چهار شیوه متفاوت واکنش به خردگرایی مدرن ..... ۱۱۳

۱۲۰	خدا، برترین واقعیت متافیزیک قدیم، و...
۱۲۰	انسان در مقام جهان‌آفرین انقلابی...
۱۲۸	ذهن رومانتیک و واقعیت‌های نو
۱۲۹	رویاریوی ممکن و واقعیت
۱۳۱	رومانتیک‌سازی مردم و تاریخ
۱۳۶	طنز و توطئه
۱۳۸	واقعیت و تمامیت
۱۴۲	برخورد رومانتیک با کائنات
۱۴۴	ساختار فرصت‌گرایانه رومانتیسیسم
۱۴۹	مفهوم اوکازویو در مقام پادنهاده‌کارا...
۱۵۲	ماهیت فرصت‌گرایی قدیم...
۱۵۶	تعلیق رومانتیک پادنهاده‌ها به وساطت عامل برتر...
۱۵۹	نتیجه...
۱۶۲	تولید رومانتیک: جهان چون فرصتی برای تجربه...
۱۷۲	درهم‌آمیزی حوزه‌های فکری در میان رومانتیک‌های اندیشه‌کار
۱۸۳	۳. رومانتیسیسم سیاسی
۱۸۳	بررسی توسعه نظریه‌های دولت از سال ۱۷۹۶
۱۹۰	تفاوت میان مفهوم رومانتیک دولت و ...
۲۰۰	دولت و شهریار...
۲۰۱	ناتوانی رومانتیک از ارزش‌گذاری اخلاقی و قانونی
۲۰۲	رومانتیک‌سازی مفاهیم در فلسفه سیاسی
۲۰۵	تولید آدام مولر: شیوه استدلال وی...
۲۲۶	خصلت فرصت‌گرایانه همه چیزهای رومانتیک‌شده
۲۲۸	اشاره‌ای مختصر به تفاوت میان رومانتیسیسم سیاسی و ...
۲۳۴	بحث تشریحی: رومانتیک همچون سنخ سیاسی...
۲۴۴	نتیجه‌گیری: رومانتیسیسم سیاسی ملازم واکنش هیجانی به رویدادهای سیاسی..
۲۵۱	یادداشت‌ها

## پیشگفتار مترجم فارسی

«در اینجا زنگ‌ها چیزی نمی‌گویند، بلکه فقط به صدا درمی‌آیند.»

کارل اشمیت (۱۸۸۸-۱۹۸۵) مؤلف کتاب‌هایی چون الهیات سیاسی و بحران دموکراسی پارلمانی است. او را هم هابز زمانه ما نامیده‌اند و هم پدرخوانده فلسفی نازیسم. اما چه چیزی باعث شده که وی یکی از سرآمدان نظریه‌پردازی سیاسی و حقوقی در قرن بیستم باشد؟ قدرت نفوذ این شخصیت متلونی که، تا سال ۱۹۵۴، جنگ داخلی ۱۹۱۸ و فروپاشی رایش ویلهلمی، ظهور و فراز و نشیب‌ها و سپس سقوط جمهوری وایمار را دیده بود و زندگی در دوران رایش سوم، بمباران برلین به دست متفقین، و نیز پایان فاجعه‌بار جنگ جهانی دوم را تجربه کرده و با مهارت تمام توانسته بود از همه این چیزها جان به‌در ببرد، در چه چیز نهفته است؟ پاسخ را باید در قدرت او در سخنوری و استدلال، آن هم در دفاع یارده مواضع سیاسی مختلف یافت که گاه در دوره‌های مختلف کاملاً تغییر می‌کرد. کسی که کتاب رومانتیسیسم سیاسی کارل اشمیت را می‌خواند، هرگز نمی‌تواند تأثیر و قدرت استدلال وی را نادیده بگیرد. خواندن اثر کارل اشمیت دگرگون می‌کند. تازه، می‌فهمی که واقعیت را فقط فرصت گرفتن، برای

بازآفرینی، کل هنر است و شاید کل هنر همان رومان‌نویسی باشد. فرصت‌گرایی می‌تواند هر کس را دربارهٔ سرشت حقیقی خود بفریبد. «آدم‌ها نمی‌خواهند زندگی کنند، فقط می‌خواهند دربارهٔ زندگی نغمه‌سرایی کنند.»

نقد او دربارهٔ آرمان‌ها و نهادهای لیبرال دموکراتیک هنوز هم مناقشه‌انگیز است، اما حتی مخالفانش نیز به قدرت شگفت‌انگیز وی برای پرداختن به مسائل اساسی سیاست مدرن اعتراف می‌کنند. رومان‌نویسی سیاسی پژوهشی تاریخی است که، همچون دیگر آثار مهم اشمیت، نقد سیاسی بنیادینی را عرضه کرده است. وی، در این اثر، از مفهومی از عمل سیاسی دفاع می‌کند که استوار است بر مفاهیم خیر و شر، عدالت و بی‌عدالتی و حمله به انفعال سیاسی که معلول تجربهٔ رومان‌نویسی سیاسی است. اشمیت کتاب را با نقد نظریهٔ عامه‌پسند رومان‌نویسی آغاز می‌کند، که در آن رومان‌نویس، با ارجاع به موضوع‌های معینی دربارهٔ کشش عاطفی تعریف شده، سپس به اصول اساسی جنبش رومان‌نویس حمله می‌برد و تأکید ویژهٔ آن بر بنیان متافیزیکی رومان‌نویسی است و اینکه به همهٔ حوزه‌های فرهنگ جنبهٔ زیبایی‌شناختی می‌دهد. مباحث اصلی کتاب پیش‌زمینه‌ای است برای یورش اشمیت به رومان‌نویسی سیاسی و «شاعرانه‌سازی» ستیزهای سیاسی. این نقد دربرگیرندهٔ حملهٔ گسترده‌تری به بورژوازی اروپایی نیز هست، زیرا طبقه‌ای است که آغوشش را بر رومان‌نویسی می‌گشاید و، در نتیجه، با تبدیل جدل سیاسی به گفت‌وگوی بی‌پایانی که در آن تفنن‌جویی و آسانگیری بر خود مانع تصمیم‌گیری‌های سیاسی درست می‌شود، از نظم اجتماعی لیبرال سیاست‌زدایی می‌کند. سرانجام، علایق سیاسی خود اشمیت با آرای ادموند برک، جوزف دی مایستر و لویی بونالد، با فلسفهٔ سیاسی محافظه‌کارانه، با بازگشت به دوران پیش از ناپلئونی و - دست کم تا اواخر دههٔ ۱۹۲۰- با کاتولیسیسم سیاسی درهم می‌آمیزد.

مهم‌ترین نکته‌ای که اشمیت دربارهٔ تعریف رومان‌نویس بیان می‌کند این است: تعریف رومان‌نویس را نمی‌توان از هیچ شیء یا موضوعی آغاز کرد که رومان‌نویس

پنداشته می‌شود، خواه قرون وسطا باشد و خواه ویرانه. بلکه تعریف را باید از شخص رومانیک آغاز کرد.

کتاب سه محور دارد؛ نخست حمله به مفاهیمی است که ریشه‌های جنبش رومانیک بدان نسبت داده می‌شود. اشمیت معتقد است که این جنبش نمایندهٔ دنیاگرایی، ذهنی‌گرایی و خصوصی‌کردنی است که در آن خدا جای خود را فردیت خصوصی نظم اجتماعی بورژوازی جای خدا را می‌گیرد.

دومی، حمله به رومانسیسم سیاسی است که دربرگیرندهٔ حمله‌ای گسترده‌تر به بورژوازی جدید اروپایی است، که اشمیت آن را حامل تاریخی جنبش رومانیک می‌داند. او می‌گوید جنبش رومانیک رهاورد بورژوازی جدید بود که دوران آن از قرن هیجدهم آغاز می‌شود و، در ۱۷۸۹، با خشونت انقلابی بر سلطنت، اشرافیت و کلیسا پیروز شد. همین بورژوازی، در ژوئن ۱۸۴۸، وقتی که از خودش در برابر پرولتاریای انقلابی دفاع می‌کرد، دیگر در سنگر انقلاب نبود. به اعتقاد او، هنر رومانیک جدید در کنار دموکراسی و ذائقهٔ بورژوازی ملی جدید گسترش می‌یابد. رنگ تجربهٔ اشکال سنتی اشرافی و سفسطهٔ کلاسیک را همانند الگویی ساختگی، و نیازش به حقیقی و طبیعی، به خود می‌گیرد و به سوی نابودی هر نوع شکلی پیش می‌رود. بورژوازی لیبرال هرگز در طولانی‌مدت انقلابی نمانده است. در قرن نوزدهم، دست کم در مواقع بحرانی، غالباً به گونه‌ای بسیار ناایمن میان سلطنت‌طلبی سنتی و پرولتاریای سوسیالیست و میان بناپارتیسم و بورژوازی سلطنت‌طلب همدستان خاصی داشته است. علت سردرگم بودن داور تین نیز همین است. به دید او، گاه آدمی توانا و زورمند که هوش و فرهنگ و نیروی او بر اشراف منحط غلبه می‌کند طلایه‌دار هنر جدید است، و گاهی کاسبی معمولی و عامی است که دون‌پایگی اخلاقی و فکری وی اصطلاح بورژوازی را بدنام می‌کند. بنابراین، تین میان امید به اینکه نظمی جدید بر ویرانهٔ نظم کهن و بیم آنکه این نظم جدید به هرج‌ومرج بینجامد و اینکه داوریش دربارهٔ هنر این جامعهٔ بورژوایی نیز به همین میزان متزلزل

باشد نوسان دارد. گاهی رومانتیسیسم چیزی باشکوه و اصیل است. گاه بیماری و ناامیدکننده است. امروز فروپاشی فرهنگ سنتی و موضوع شکل به طور بنیادین تداوم یافته است، اما جامعه جدید هنوز شکل خودش را پیدا نکرده. هنوز شکل هنری تازه‌ای را نیز نیافریده و همچنان به سوی مباحث مربوط به هنر و دگرگونی رومانتیک اشکال بیگانه که با رومانتیسیسم و احیای آن در هر یک از نسل‌های آینده آغاز شد حرکت می‌کند.

سوم دفاع او از محافظه‌کاری سیاسی و رد این نگرش است که رومانتیسیسم سیاسی ذاتاً با رومانتیسیسم پیوند دارد. در اینجا، اشمیت استدلال می‌کند که رومانتیک سیاسی با موقعیت‌ها ارتباط ندارد، بلکه با زیبایی‌شناسی ارتباط دارد. بنابراین، ممکن است به همان آسانی که تبدیل به دانتون می‌شود، فردریک کبیر بشود.

دفاع او از حکومت وایمار و توجیه همه‌جانبه ماده ۴۸ قانون اساسی وایمار به این حکومت کمک کرد که از بحران‌های شدید به سلامت عبور کند- ماده ۴۸ به رئیس‌جمهور رایش قدرت تعلیق حقوق اساسی و درپیش‌گرفتن اقدامات فوق‌العاده برای مقابله با تهدیدهای نظم عمومی را اعطا می‌کرد. اشمیت از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۸، که استاد دانشگاه بن بود، حامی سرسخت کاتولیسیسم سیاسی و سیاست‌های هاینریش برونینگ<sup>۱</sup>، رهبر حزب مرکزی کاتولیک بود. و در این دوره مقالات بسیاری را درباره موضوعات سیاسی در نشریات کاتولیک منتشر کرد.<sup>[۱]</sup> سخنوری و دفاع سرسختانه او در مقام مدافع محافظه‌کار قدرت جمهوری را در شرایط اضطراری فراهم می‌آورد. با رفتن اشمیت به برلین، در ۱۹۲۸، تفاسیر او از قانون اساسی نفوذ بیشتری پیدا کرد. او مدافع یوهانس پایپتز (Johannes Popitz)، از اریستوکرات‌های بلندپایه، شد و توانست خودش را در مقام مشاور غیررسمی ژنرال کورت فن شلایکر (Schleicher Kurt von)

1. Heinrich Brüning